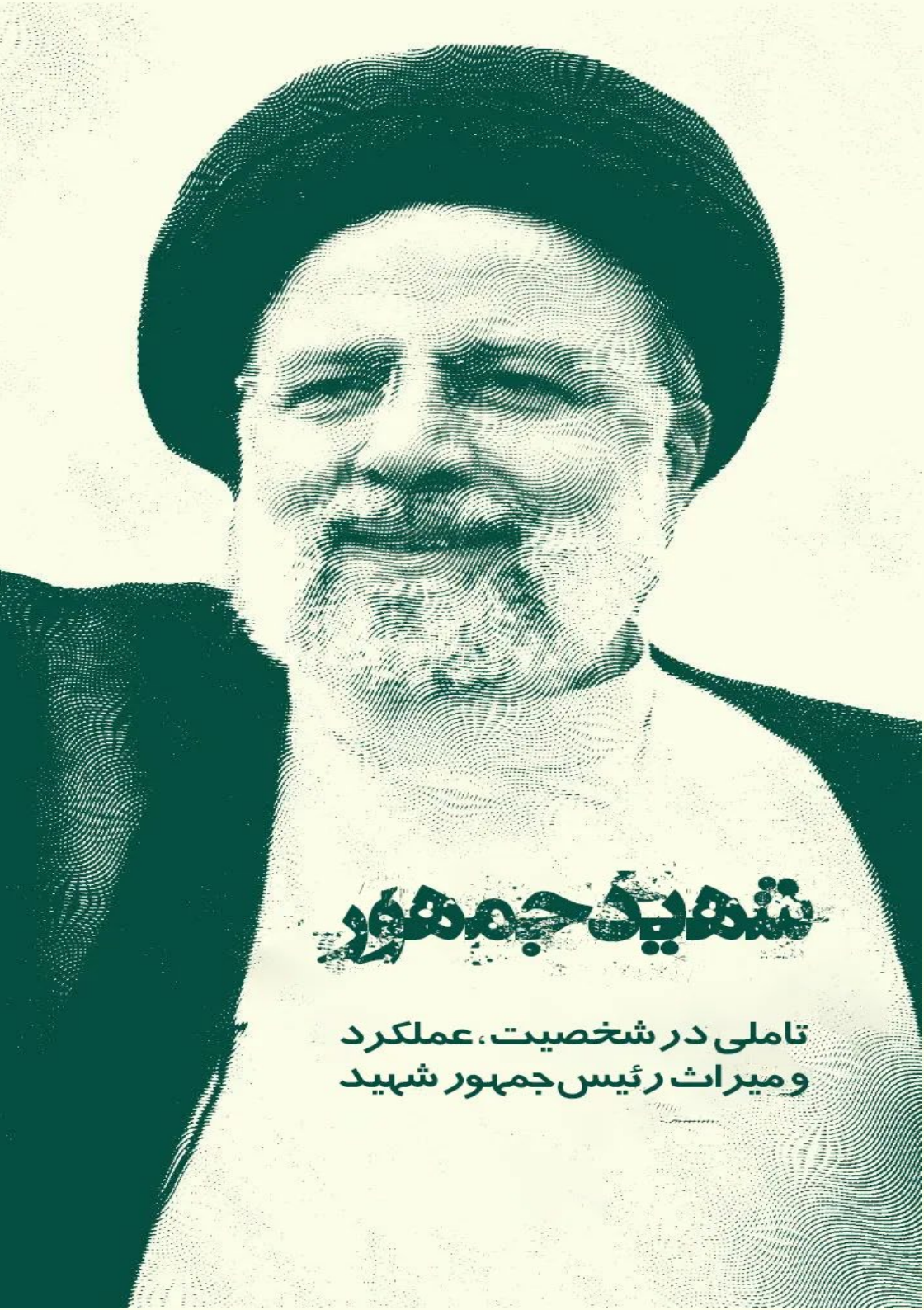




شهید جمشید

قاملی در شخصیت، عملکرد
و میراث رئیس جمهور شهید

新刊
三才
圖會

شهید جمهور

تأملی در شخصیت، عملکرد و میراث رئیس جمهور شهید

ویژه اولین سالگرد شهادت آیت الله رئیسی

فروردین ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

از دولت‌سازی تا شهادت؛ رئیسی و روایت یک مسئولیت انقلابی	۳
مقدمه:	۳
۱) از تحول در قوه قضائیه تا دولت‌سازی در تراز انقلاب	۳
۲) عدالت، ستون خیمه انقلاب اسلامی	۵
۳) مردم‌محوری؛ رکن اصلی مشروعیت و مقبولیت	۵
۴) در مسیر گام دوم انقلاب؛ از توصیه تا تحقق	۶
۵) جایگاه رئیسی در تاریخ مدیریت انقلاب اسلامی	۷
نتیجه‌گیری	۸
رهبری میدانی و مدیریت جهادی؛ شیوه حکمرانی شهید رئیسی	۱۰
مقدمه:	۱۰
۱) حضور میدانی؛ ترجمان عملی مردم‌باوری	۱۰
۲) مدیریت جهادی؛ راه‌حل مسائل ساختاری	۱۱
۳) پیوند با روحیه بسیجی و فرهنگ جهاد	۱۲
۴) اصلاح نظام اداری از درون میدان	۱۳
۵) تجربه عینی حکمرانی در تراز انقلاب	۱۴
۶) رئیسی؛ شهید راه مدیریت جهادی	۱۴
دیپلماسی عزتمندانه؛ بازخوانی سیاست خارجی رئیسی	۱۶
مقدمه:	۱۶
۱) نگاه انقلابی به سیاست خارجی	۱۶

- ۲) تعامل عزتمندانه با شرق و منطقه ۱۷
- ۳) عضویت در بریکس و شانگهای؛ گامی به سوی نظم نوین جهانی ۱۸
- ۴) حضور مقتدرانه در مجامع بین‌المللی ۱۹
- ۵) تقابل با یک‌جانبه‌گرایی غرب؛ تمرکز بر دیپلماسی اقتصادمحور ۱۹
- ۶) میراثی ماندگار برای سیاست خارجی انقلاب ۲۰
- خانواده، تهذیب و تربیت؛ ریشه‌های شخصیتی یک مسئول انقلابی ۲۱
- مقدمه: ۲۱
- ۱) تربیت در مکتب علما؛ از حوزه تا مسئولیت ۲۱
- ۲) ارتباط با خانواده، ساده‌زیستی، نظم شخصی ۲۲
- ۳) تهذیب نفس و اخلاق‌مداری در عرصه قدرت ۲۳
- ۴) ریشه‌های معنوی در تصمیمات کلان ۲۴
- ۵) الگویی برای امروز و فردا ۲۵

از دولت‌سازی تا شهادت؛ رئیزی و روایت یک مسئولیت انقلابی

مقدمه:

در مکتب سیاسی امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، "مسئولیت"، نه ابزاری برای قدرت‌طلبی، بلکه فرصتی برای بندگی خدا و خدمت به مردم است. شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، به عنوان مردی برآمده از دل انقلاب اسلامی، از جمله چهره‌هایی بود که در تمام طول مسیر مدیریتی خود، این حقیقت را با تمام وجود درک و در میدان عمل آن را محقق کرد. او نه سیاست‌مداری معمولی، بلکه مجاهدی خستگی‌ناپذیر بود که از قوه قضائیه تا ریاست‌جمهوری، سنگر به سنگر در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی گام برداشت و در نهایت، مزد این مجاهدت‌ها را با شهادت گرفت. این نوشتار تحلیلی است بر نگاه و رفتار مدیریتی شهید رئیسی، تبیینی از عدالت‌خواهی و مردم‌محوری او و تأملی بر جایگاه بی‌بدیلش در تاریخ جمهوری اسلامی ایران.

۱) از تحول در قوه قضائیه تا دولت‌سازی در تراز انقلاب

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حکم انتصاب شهید رئیسی به ریاست قوه قضائیه، ضمن تأکید بر لزوم تحول در این دستگاه

و آغاز پرقدرت دوران جدیدی که زینده گام دوم انقلاب باشد، «مردمی بودن، انقلابی بودن و ضد فساد بودن» را محور بایسته و لازم در در همهی فصول تحول این قوه عنوان کردند.

آیت‌الله رئیسی با ورود به قوه قضائیه و سرلوحه قرار دادن فرامین و توصیه‌های مقام معظم رهبری، نقطه عطفی را در مدیریت انقلابی دستگاه عدالت ایجاد نمود. ایشان با درک عمیق از نیازهای مردم و با پشتوانه‌ای از تجربه قضائی، نه برای حفظ ساختار موجود، بلکه برای متحول ساختن قوه قضائیه آمد. عدالت‌محوری، مبارزه بی‌امان با فساد، شفاف‌سازی فرایندها، مردمی کردن دستگاه قضا و تحول ساختاری، از جمله اهدافی بود که با جدیت پیگیری کرد. این اقدامات و همچنین برنامه‌ریزی دقیق، نظارت میدانی و برخورد قاطع با مفسدان، اعتماد عمومی را به دستگاه قضایی بازگرداند و امید تازه‌ای در دل مردم روشن کرد.

در ادامه این مسیر، انتخاب ایشان به ریاست‌جمهوری در سال ۱۴۰۰، تجلی اعتماد مردم به مدیریتی از جنس انقلاب بود. «دولت مردمی و ایران قوی» شعار نبود که صرفاً در انتخابات مطرح شود؛ بلکه روح حاکم بر رفتار و سیاست‌گذاری‌های دولت او بود. سفرهای استانی مستمر، ارتباط مستقیم با مردم، اقدام عاجل در بحران‌ها، مردمی‌سازی یارانه‌ها، احیای دیپلماسی منطقه‌ای، تقویت اقتصاد مقاومتی و مبارزه با باندهای فساد و رانت‌خواری، بخشی از اقدامات دولت سیزدهم در دوران کوتاه اما پرتلاش رئیسی بود.

۲) عدالت، ستون خیمه انقلاب اسلامی

عدالت در منظومه فکری شهید رئیسی، صرفاً یک مفهوم فقهی یا سیاسی نبود، بلکه جوهره حاکمیت اسلامی و ستون خیمه جامعه توحیدی بود. ایشان با الهام از آیات الهی چون «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) و کلام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) که فرمودند: «العدل أساس الملك»، عدالت را به مثابه اصل بنیادین حکومت اسلامی تلقی می‌کرد.

شهید رئیسی با این نگاه، مبارزه با فساد را در دوران مسئولیتش در قوه قضائیه آغاز کرد و در دوران ریاست جمهوری خود، با رویکرد ساختاری، نظام‌مند و پیش‌نگر ادامه داد. مبارزه با دانه‌درشت‌ها، اصلاحات مالیاتی، کنترل بر بازارهای ره‌اشده و مقابله با حلقه‌های رانت‌خوار، گام‌هایی بود در جهت «عدالت در حکمرانی». از نظر ایشان، فساد، دشمن عدالت و یکی از موانع تحقق آرمان‌های انقلاب بود. شهید رئیسی بارها تأکید کرد که «نباید اجازه دهیم مردم احساس تبعیض کنند، که این همان مرگ عدالت است».

۳) مردم‌محوری؛ رکن اصلی مشروعیت و مقبولیت

شهید آیت‌الله رئیسی، برخلاف بسیاری از مدیران تکنوکرات، مردم را نه مزاحم روند مدیریت، بلکه محور آن می‌دانست. او به تعبیر مقام معظم رهبری، «در میدان خدمت بود، نه در اتاق مدیریت». حضور مستمر در بین مردم، بازدیدهای میدانی از دورترین نقاط کشور، ورود بی‌واسطه به مناطق محروم، پاسخگویی

علنی به مطالبات مردم و پیگیری شخصی دستورهای صادرشده، بخشی از منظومه رفتاری او بود.

در نگاه او، مشروعیت حکومت دینی، بدون رضایت و مشارکت مردم، ابتر و ناکارآمد است. چنان‌که بارها تصریح کرد: «اگر مدیران پشت میز بنشینند و مردم را نبینند، انقلاب از مسیرش منحرف می‌شود». او مردم را ولی نعمت و سرمایه اصلی کشور می‌دانست و دولت خود را خادم آنان و این خدمتگزاری را یک توفیق الهی می‌دانست. این نگاه، برخاسته از سنت علوی است، آنجا که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَنُمُوهَا؛ نیازهای مردم به شما، نعمتی از سوی خداوند بر شماست، پس آنها را غنیمت شمارید (و در رفع نیاز مردم بکوشید)».

۴) در مسیر گام دوم انقلاب؛ از توصیه تا تحقق

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ از سوی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) صادر شد، به مثابه نقشه راه تمدن‌سازی اسلامی برای دهه‌های آینده جمهوری اسلامی می‌باشد. این بیانیه، نه فقط بیانی از آرمان‌ها، بلکه دعوتی برای تحول، تجدید ساختار و جهش در همه حوزه‌ها با محوریت ایمان، جوان‌گرایی، علم، عدالت، معنویت، استقلال، عزت ملی، سبک زندگی اسلامی و مبارزه با فساد است.

در میان مسئولان عالی‌رتبه کشور، شهید آیت‌الله رئیسی از معدود کسانی بود که هم در مسئولیت ریاست قوه قضائیه و هم در قامت رئیس‌جمهور، نه تنها این بیانیه را در مقام سخن ارج نهاد، بلکه عملاً آن را مبنای جهت‌گیری‌ها، تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خود قرار داد.

حرکت علمی در حوزه فناوری و دانش‌بنیان‌ها، گسترش عدالت منطقه‌ای، تمرکز بر عدالت آموزشی، ارتقاء استقلال اقتصادی، تعامل عزتمند با قدرت‌های جهانی و تقویت معنویت در ساختار مدیریتی، بخشی از برنامه‌های دولت سیزدهم در این مسیر بود. او بر این باور بود که جمهوری اسلامی، برای عبور از پیچ تاریخی تمدن‌ساز، نیازمند مدیرانی مؤمن، انقلابی، مردمی و جهادی است؛ همان ویژگی‌هایی که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بر آن تأکید کردند.

۵) جایگاه رئیسی در تاریخ مدیریت انقلاب اسلامی

مرور کارنامه شهید رئیسی در مسئولیت‌های مختلف، تصویری از یک مدیر انقلابی، مکتبی، کارآمد، پرتلاش، متواضع، بی‌ادعا و مردم‌نهاد را پیش چشم ما می‌گذارد. او از همان مدرسه‌ای برخاسته بود که شهید رجایی را تربیت کرد؛ ساده‌زیست، اخلاق‌مدار، ولایی، و دردمند ملت.

مدیریت طراز انقلاب اسلامی، مفهومی است که امروز با نام شهید رئیسی معنا یافته است. شخصیتی که در دوران غربت عدالت و افول مردم‌گرایی در سطوح

حاکمیتی، بار دیگر با حضور مؤثرش، امید را به دل‌ها بازگرداند و نشان داد می‌توان در عین انقلابی بودن، کارآمد و در عین مردم‌دوستی، تحول‌گرا بود.

نتیجه‌گیری

مرور زندگی سیاسی و مدیریتی شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، تصویری روشن و عینی از یک مسئول تراز انقلاب اسلامی را پیش چشم ما می‌گذارد؛ مدیری که در همه سنگرهای نظام، چه در دستگاه قضا و چه در رأس دولت، با روحیه‌ای جهادی، با ایمان عمیق، با ساده‌زیستی، مردم‌باوری، و صلابت در برابر دشمنان، خوش درخشید و کارنامه‌ای درخشان از خود به‌جا گذاشت. او نه در پی نام بود، نه شیفته قدرت؛ بلکه همواره دغدغه‌اش خدمت بود و خود را خادم ملت می‌دانست. در میدان عمل، به آرمان عدالت، مقابله با فساد، تقویت استقلال کشور، پیشرفت علمی و عزت‌بخشی به دیپلماسی جمهوری اسلامی وفادار ماند. حرکت هدفمند او در مسیر تحقق بیانیه گام دوم انقلاب، نشان از باوری صادقانه و عزمی استوار برای پیشبرد این منشور تمدنی داشت. شهید رئیسی، در روزگار عقب‌نشینی برخی مدیران از آرمان‌های انقلاب، خود را به گفتمان امام و رهبری متعهد دانست و نشان داد که هنوز می‌توان با صداقت، تواضع، ایستادگی و کار جهادی، مدیریت در تراز اسلام را تحقق بخشید. او در عمل ثابت کرد که الگو گرفتن از شهید رجایی، تنها یک شعار نیست، بلکه مسیری ممکن و مؤثر است.

با این ویژگی‌ها، شهید رئیسی را باید الگوی بی‌بدیل برای مسئولان کشور دانست؛ الگویی از جنس اخلاص، کارآمدی، عدالت‌محوری، پاک‌دستی و مردمی‌بودن. مسئولانی که می‌خواهند در مسیر آرمان‌های انقلاب حرکت کنند، ناگزیر باید از این الگو درس بگیرند و مشی مدیریتی او را چراغ راه خود قرار دهند. شهادت مظلومانه ایشان، پایان یک مسیر نبود، بلکه آغاز تعهدی بزرگ‌تر برای ادامه راهی بود که او با خون خود امضا کرد. راهی به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی.

رهبری میدانی و مدیریت جهادی؛

شیوه حکمرانی شهید رئیسی

مقدمه:

در نظام جمهوری اسلامی ایران، مدیریت تنها یک مسئولیت اجرایی نیست؛ بلکه مأموریتی الهی و انقلابی برای تحقق عدالت، کرامت انسان و پیشبرد جامعه اسلامی به سوی اهداف تمدنی است. در این منظومه، شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، چهره‌ای درخشان و ماندگار است که مدیریت را نه در دفتر و پشت میز، بلکه در میدان و کنار مردم معنا کرد. او به درستی مصداق یک «مدیر جهادی» و «خادم ملت» بود؛ کسی که با روحیه‌ای انقلابی و حضوری میدانی، الگوی نوینی از حکمرانی در تراز انقلاب اسلامی ارائه داد.

۱) حضور میدانی؛ ترجمان عملی مردم‌باوری

شهید رئیسی باور داشت که مسئولیت بدون حضور میدانی، گرهی از کار مردم باز نمی‌کند. او معتقد بود مدیر باید در صحنه باشد، درد مردم را از نزدیک لمس کند و مشکلات را بی‌واسطه ببیند. همین نگاه بود که باعث شد از همان روزهای ابتدایی ریاست جمهوری، سفرهای استانی او با جدیت آغاز شود. در کمتر از دو سال، او به همه استان‌های کشور سفر کرد؛ آن‌هم نه با کاروانی تشریفاتی، بلکه با تیمی عملیاتی و دغدغه‌مند.

در این سفرها، رئیسی نه تنها به دیدار مسئولان محلی اکتفا نمی‌کرد، بلکه به دل مناطق محروم و روستاهای دورافتاده می‌رفت، پای درد دل مردم می‌نشست و به صورت میدانی تصمیم‌گیری می‌کرد. این شیوه، ضمن بازسازی اعتماد عمومی، نمادی از پیوند مردم و حاکمیت در منظومه‌ی حکمرانی دینی بود. او در جلساتی طولانی و بعضاً خارج از ساعات اداری، با اقشار مختلف جامعه دیدار می‌کرد، مشکلات را می‌شنید و همان‌جا دستورات اجرایی صادر می‌نمود. این حضور پررنگ، روحیه کار جهادی را در بدنه دولت نیز تزریق کرد.

۲) مدیریت جهادی؛ راه حل مسائل ساختاری

سبک مدیریتی شهید رئیسی را می‌توان به‌درستی «جهادی» نام نهاد؛ سبکی برخاسته از دوران دفاع مقدس، با شاخص‌هایی چون ساده‌زیستی، کار بی‌وقفه، اولویت دادن به حل مسئله، و مسئولیت‌پذیری تمام‌عیار. او در جلسات دولتی و دیدارهای عمومی همواره به مسئولان تذکر می‌داد که «مدیر نباید پشت درهای بسته بماند»، بلکه باید در خط مقدم حل مشکلات باشد.

این رویکرد، نقطه مقابل مدیریت اشرافی و بروکراتیک بود؛ مدیریتی که مسائل را با نگاه از بالا و در قالب گزارش‌های صوری تحلیل می‌کند. رئیسی اما با نگاهی مسئله‌محور، به دنبال نتیجه بود؛ نه تکرار جلسات بی‌ثمر. در مواجهه با بحران‌ها، مانند زلزله هرمزگان، سیل استان‌های لرستان، ایلام و خوزستان یا

قطعی برق و گاز در سرمای زمستان، او خود در میدان حاضر می‌شد و همان‌جا فرماندهی حل مسئله را بر عهده می‌گرفت.

رئیی با بهره‌گیری از تجربه دوران خدمت در قوه قضائیه، در دولت نیز به همان سبک و سیاق به میدان آمد. او معتقد بود که وظیفه حاکم اسلامی، ایستادن در صف نخست مشکلات و خطرهاست؛ نه پشت‌صحنه سیاست و دیوانسالاری. از این رو، دولت را به عنوان یک ماشین خدمت‌رسانی تعریف کرد؛ نه نهادی تشریفاتی و پرزرق و برق.

۳ پیوند با روحیه بسیجی و فرهنگ جهاد

نقطه قوت دیگر مدیریت شهید رئیی، پیوند آن با فرهنگ بسیجی و جهادی بود. او همان‌گونه که در دوران مسئولیت در قوه قضائیه با روحیه انقلابی در برابر مفسدان ایستاد، در دولت نیز با همان رویکرد جهادی به میدان آمد. برای او، میز ریاست وسیله‌ای برای خدمت بود، نه ابزاری برای خودنمایی. همین‌باور باعث شد که بسیاری از مردم، رئیی را «رجایی دوم» بنامند.

مفهوم «جهاد در مسئولیت» که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بارها بر آن تأکید کرده‌اند، در سیره شهید رئیی به خوبی متجلی بود. او از سحرگاه تا نیمه‌شب، مشغول خدمت و پیگیری امور بود. بی‌توجه به خستگی، بی‌اعتنا به تبلیغات و بدون اتکا به فضای رسانه‌ای؛ چراکه هدف، رضایت الهی و گره‌گشایی از مشکلات مردم بود. بسیاری از مدیران

جوان دولت، تحت تأثیر این سبک مدیریتی، به مرور به همان مسیر گرایش یافتند و تلاش کردند خود را با این الگو تطبیق دهند.

۴) اصلاح نظام اداری از درون میدان

یکی از جلوه‌های بارز مدیریت میدانی رئیسی، تلاش او برای اصلاح نظام اداری کشور از دلِ میدانی‌ترین نقاط آن بود. او به‌درستی درک کرده بود که مشکلات مزمن اداری، تنها با بخشنامه و دستورالعمل حل نمی‌شوند، بلکه باید از نزدیک فهمیده شوند. بازخوردهای مردمی در سفرهای استانی، ابزار اصلی او برای پالایش نظام تصمیم‌سازی بود.

او بارها در سخنرانی‌های عمومی بر ساده‌سازی فرآیندها، حذف امضاهای طلایی، مقابله با فساد اداری و چابک‌سازی ساختار اجرایی تأکید کرد. در همین راستا، بسیاری از مصوبات سفرهای استانی، در همان محل به تصویب رسید و با پیگیری مستمر، از حالت شعاری خارج شد. این پیوند بین تصمیم‌گیری و واقعیت میدانی، نقطه تمایز رویکرد اجرایی رئیسی بود.

رئیسی با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان جوان و متخصص، زمینه‌ساز اصلاح برخی روندهای مزمن در حوزه‌های عمرانی، اجتماعی و اقتصادی شد. او به شایسته‌سالاری اعتقاد داشت و می‌کوشید حلقه تصمیم‌سازی را از باندهای قدرت و رانت جدا کند و به مردم و نیروهای مؤمن و انقلابی بازگرداند.

۵) تجربه عینی حکمرانی در تراز انقلاب

رئیی در دوران مسئولیت خود نشان داد که می‌توان با کمترین امکانات و در کوتاه‌ترین زمان، تحولی بزرگ در سبک حکمرانی ایجاد کرد. او حکمرانی را به جای تجمل و تعارف، با کار جهادی و تلاش میدانی تعریف کرد. همین ویژگی باعث شد که در مدت کوتاه ریاست جمهوری، اعتماد عمومی نسبت به صداقت و جدیت دولت افزایش یابد. بی‌گمان این اعتماد، سرمایه‌ای گران‌بها برای نظام جمهوری اسلامی بود.

نکته مهم در این تجربه، اثبات این حقیقت است که حکمرانی کارآمد و انقلابی، الزامات روشن و قابل اجرا دارد؛ «حضور میدانی، شجاعت در تصمیم‌گیری، روحیه خدمتگزاری و پیوند وثیق با مردم». رئیی این مؤلفه‌ها را در رفتار و منش خود مجسم کرد و از همین رو، الگویی زنده برای نسل جدید مدیران باقی ماند.

۶) رئیی؛ شهید راه مدیریت جهادی

شهادت آیت‌الله سید ابراهیم رئیی، رئیس‌جمهور مردمی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران، در جریان یکی از سفرهای استانی خود، تنها یک حادثه تلخ نبود؛ بلکه نمادی از سبک مدیریتی او و مهر تأییدی بر صداقت، اخلاص و فداکاری‌اش در راه خدمت به مردم بود. او با پایبندی به مشی «حضور در میدان»

و دوری از پشت‌میزنشینی، تا آخرین لحظه عمر در کنار مردم ماند و در مسیر خدمت، جان خود را فدای آرمان‌های انقلاب کرد.

مدیریت جهادی در نگاه رئیسی، تنها یک شعار یا دستورالعمل اداری نبود، بلکه رویکردی عملی، مؤمنانه و متعهدانه به مسئولیت‌های حکمرانی بود. او معتقد بود که درد مردم را باید از نزدیک شنید و گره‌های زندگی آنان را از میدان گشود، نه از اتاق‌های شیشه‌ای و گزارش‌های رسمی. همین نگاه بود که او را به دورافتاده‌ترین مناطق کشور کشاند، جایی که صدای مردم کمتر شنیده می‌شد اما رئیسی آن را وظیفه شرعی، انقلابی و انسانی خود می‌دانست که بی‌واسطه پای در میان مردم بگذارد.

شهادت آیت‌الله رئیسی، گرچه داغی بزرگ بر دل ملت نهاد، اما در عین حال، پیام‌آور حقیقتی بزرگ نیز بود؛ این که می‌توان مسئول بود و همچنان با مردم ماند؛ می‌توان در عالی‌ترین مقام اجرایی کشور ایستاد، اما خاکی، ساده‌زیست و پرتلاش ماند. او نشان داد که راه حکمرانی تراز انقلاب اسلامی، از مسیر جهاد، میدان و فداکاری می‌گذرد. راهی که خود تا پایان پیمود و با خون خود آن را امضا کرد. آری، سید ابراهیم رئیسی، شهید راه مدیریت جهادی بود.

دیپلماسی عزتمندانه؛ بازخوانی سیاست خارجی رئیسی

مقدمه:

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همواره سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» به عنوان چارچوب راهبردی تعیین‌کننده مسیر دیپلماسی کشور مورد تأکید بوده است. شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در دوران ریاست جمهوری خود، با وفاداری به این اصول، تلاش کرد سیاست خارجی ایران را از موضع انفعال، دفاع و واکنش، به سمت کنش‌گری فعال، عزت‌محور و اقتدارآفرین سوق دهد. در همین راستا، یکی از ویژگی‌های برجسته دولت سیزدهم، بازگشت به نگاه انقلابی در عرصه روابط خارجی بود؛ نگاهی که با اتکاء به توان داخلی، تقویت پیوندهای منطقه‌ای و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی شکل گرفت.

(۱) نگاه انقلابی به سیاست خارجی

شهید رئیسی به روشنی باور داشت که استقلال سیاسی و هویت انقلابی جمهوری اسلامی، باید در همه شئون سیاست خارجی نمایان باشد. او بر این باور بود که دیپلماسی، ابزار چانه‌زنی برای منافع ملی است، نه عرصه تسلیم یا عقب‌نشینی در برابر قدرت‌های سلطه‌گر. به همین دلیل، از ابتدای مسئولیت خود، با انتخاب وزیر امور خارجه‌ای دارای سوابق امنیتی و منطقه‌ای، سیاست

خارجی ایران را در مسیری متفاوت با دولت‌های پیشین هدایت کرد. تلاش برای متوازن‌سازی سیاست خارجی، افزایش عمق راهبردی کشور در غرب آسیا و تمرکز بر ظرفیت‌های همسایگی، از اولویت‌های ایشان بود.

۲) تعامل عزتمندانه با شرق و منطقه

یکی از محورهای کلیدی سیاست خارجی دولت شهید رئیسی، توسعه روابط راهبردی با کشورهای آسیایی و منطقه‌ای بود. او بارها تأکید کرد که نگاه دولت به شرق و همسایگان، نگاهی راهبردی و آینده‌نگر است. گسترش همکاری با روسیه، چین، هند و کشورهای آسیای میانه، نه تنها به عنوان جایگزینی برای غرب، بلکه به عنوان بخشی از نظم جدید جهانی تلقی می‌شد که در حال فاصله گرفتن از نظام یک‌قطبی آمریکا محور است.

در این راستا، سفرهای متعددی به روسیه، چین، ترکمنستان، تاجیکستان و عراق صورت گرفت و توافق‌نامه‌هایی در حوزه انرژی، حمل و نقل، کشاورزی، امنیت و ارتباطات امضاء شد. ایران به‌ویژه در قالب طرح‌های منطقه‌ای مانند کریدور شمال-جنوب، اتصال ریلی با کشورهای آسیای مرکزی و همکاری‌های امنیتی با محوریت سازمان‌های منطقه‌ای، جایگاه خود را به عنوان بازیگری اثرگذار تثبیت کرد.

همچنین، تقویت روابط اقتصادی، امنیتی و سیاسی با همسایگان و کشورهای اسلامی منطقه، از اولویت‌های جدی دولت سیزدهم بود. از توافقات اقتصادی

با پاکستان، عراق، قطر و تاجیکستان گرفته تا مشارکت در طرح‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای، همگی در چارچوب راهبرد دیپلماسی منطقه‌محور شهید رئیسی قرار داشت. او تأکید داشت که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و حضور قدرت‌های بیگانه، تنها منجر به بی‌ثباتی و تفرقه می‌شود.

۳) عضویت در بریکس و شانگهای؛ گامی به‌سوی نظم نوین

جهانی

یکی از دستاوردهای مهم دولت سیزدهم در حوزه سیاست خارجی، عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس بود. این عضویت‌ها نه تنها جایگاه بین‌المللی ایران را ارتقاء بخشید، بلکه پیام روشنی به نظام سلطه ارسال کرد که ایران مسیر استقلال و تعامل با قدرت‌های نوظهور را برگزیده است. رئیسی این عضویت‌ها را فرصتی برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی، گسترش بازار صادراتی، تأمین امنیت انرژی و تقویت امنیت منطقه‌ای می‌دانست.

در قالب این عضویت‌ها، ایران توانست از ظرفیت‌های دیپلماتیک جدید برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کند و مسیرهای تجارت و تبادلات مالی با کشورهای هم‌سو را توسعه دهد. همچنین، در بستر این سازمان‌ها، فرصت‌های جدیدی برای مشارکت در پروژه‌های زیرساختی بین‌المللی و انتقال فناوری فراهم شد.

۴) حضور مقتدرانه در مجامع بین‌المللی

شهید رئیسی در تمامی اجلاس‌ها و سفرهای بین‌المللی خود، با مواضعی شفاف، اصول‌محور و قاطعانه حاضر شد. چه در سازمان ملل و چه در اجلاس سران شانگهای و بریکس، همواره از موضعی فعال، با زبان گفتمان انقلابی و استدلال عقلانی، از منافع ملت ایران دفاع کرد. او با اعتمادبه‌نفس، مواضع ضدصهیونیستی و ضدتحریمی جمهوری اسلامی را بیان می‌کرد و در عین حال، بر ضرورت همکاری بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های مشترک جهانی تأکید داشت.

ایشان در سخنرانی‌های خود، به‌ویژه در سازمان ملل، همواره بر حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت، مقابله با استانداردهای دوگانه غرب و لزوم چندجانبه‌گرایی واقعی در نظام بین‌الملل تأکید می‌کرد. این مواضع، مورد توجه بسیاری از ملت‌های مستقل قرار گرفت و موجب تقویت جایگاه معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای غیرمتعهد و جنوب جهانی شد.

۵) تقابل با یک‌جانبه‌گرایی غرب؛ تمرکز بر دیپلماسی

اقتصادمحور

شهید آیت‌الله رئیسی با درک درست از تحولات جهانی، به‌ویژه افول نسبی هژمونی غرب، تلاش کرد سیاست خارجی ایران را از حالت «غرب‌محور» خارج کرده و به‌سوی «اقتصادمحوری» و «منطقه‌محوری» سوق دهد. نگاه او به روابط خارجی، نگاهی مبتنی بر منافع اقتصادی، همکاری‌های چندجانبه و

توسعه پایدار بود. از این رو، مذاکرات هسته‌ای نیز در دولت سیزدهم با رویکرد حفظ خطوط قرمز و تضمین منافع اقتصادی مردم پیگیری شد. دولت او تلاش کرد با تقویت دیپلماسی اقتصادی، مسیرهایی برای افزایش صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای همسو و توسعه فناوری از طریق همکاری‌های دوجانبه فراهم سازد. این رویکرد موجب شد تا بخشی از فشار تحریم‌ها کاهش یابد و افق‌های جدیدی برای اقتصاد مقاومتی گشوده شود.

۶) میراثی ماندگار برای سیاست خارجی انقلاب

اگرچه عمر دولت سیزدهم به واسطه شهادت مظلومانه آیت‌الله رئیسی کوتاه ماند، اما میراث او در سیاست خارجی، راهبردی روشن برای آینده جمهوری اسلامی ایران به جا گذاشت. او نشان داد که می‌توان دیپلماسی را با حفظ عزت ملی و اصول انقلاب اسلامی پیش برد؛ دیپلماسی‌ای که نه تنها به دنبال لغو تحریم‌ها، بلکه در پی ایجاد ظرفیت‌های جدید برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها باشد. این مسیر، اگرچه چالش‌برانگیز بود، اما بارقه‌های امیدی در دل ملت پدید آورد که با سیاست خارجی فعال، انقلابی و هوشمندانه می‌توان مسیر پیشرفت را از دل محدودیت‌ها گشود. سیاست خارجی ایشان، تجلی دیپلماسی عزتمندانه‌ای بود که با پشتوانه مردم و باور به توان داخلی، در برابر نظام سلطه ایستاد و افق‌های جدیدی برای استقلال و اقتدار ایران گشود.

خانواده، تهذیب و تربیت؛ ریشه‌های شخصیتی یک مسئول انقلابی

مقدمه:

در میان مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری شخصیت یک مسئول انقلابی، سه عنصر کلیدی همواره نقش بنیادین داشته‌اند: «خانواده، تهذیب و تربیت». این عناصر، بستر شکل‌گیری انسانی معتقد، متعهد، پاک‌دست، مردمی و خداجو را فراهم می‌کنند؛ انسانی که بتواند در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، با صلابت و ایمان قدم بردارد. شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، نمونه‌ای تام و تمام از تربیت‌یافتگان این مکتب بود؛ مردی که ریشه‌های شخصیتی‌اش در زمین تربیت دینی، سلوک معنوی، و ساده‌زیستی خانوادگی شکل گرفت و درخت وجودش، با میوه‌های خدمت، عدالت، تقوا و صداقت به بار نشست.

۱) تربیت در مکتب علما؛ از حوزه تا مسئولیت

شهید رئیسی از سنین نوجوانی وارد حوزه علمیه شد و در مکتب علمای بزرگ تربیت یافت. اساتیدی چون آیت‌الله شیخ علی مروی، آیت‌الله فاضل هرنندی، آیت‌الله موسوی تهرانی، آیت‌الله سید علی محقق داماد، آیت‌الله احمد بهشتی، آیت‌الله مرتضی مطهری، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله آقا مجتبی تهرانی و ... از جمله بزرگانی بودند که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت علمی و اخلاقی او ایفا کردند.

او در گفت‌وگوهایش از تاثیر محیط معنوی حوزه بر روحیه مسئولیت‌پذیری اش سخن می‌گفت. به‌ویژه تربیت در جوار حرم امام رضا (ع) در دوران تولیت آستان قدس، تأثیری عمیق بر درونی‌سازی مفاهیم خدمت بی‌منت و کرامت انسانی داشت. در یکی از سخنرانی‌هایش تأکید کرده بود که «تربیت در حوزه علمیه، یعنی در کنار علم‌آموزی، باید نفس را ادب کرد و اخلاق را زنده نگه داشت».

با این نوع تربیت، شهید آیت‌الله رئیسی نمونه بارز و مصداق روشن پرهیزکارانی است که امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه (خطبه متقین) اوصاف آنان را بیان می‌فرمایند؛ «حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ، صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً؛ انسانی با خواسته‌های اندک، پاک‌دامن، کم‌توقع و در برابر سختی‌ها شکیبنا». شهید رئیسی، چنین مسیری را طی کرد و همین تربیت درونی بود که به او قدرت داد تا در برابر طوفان‌های قدرت، ثروت و شهرت، استوار باقی بماند.

۲) ارتباط با خانواده، ساده‌زیستی، نظم شخصی

یکی از وجوه کمتر دیده شده اما بسیار مهم شخصیت شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، سبک زندگی خانوادگی او بود. با اینکه در بالاترین مناصب نظام قرار داشت، اما هرگز از سادگی و صفای زندگی خانوادگی‌اش فاصله نگرفت. ارتباط عاطفی و تربیتی او با همسر و فرزندانش، برآمده از آموزه‌های دینی و

اخلاقی بود. رئیسی همواره بر رعایت حقوق همسر، تربیت دینی فرزندان و تقویت روابط خانوادگی تأکید داشت.

ساده‌زیستی یکی از خطوط ثابت زندگی او بود که حتی در دوره ریاست جمهوری نیز ادامه یافت. این ویژگی، برگرفته از تعالیم اسلام و سیره‌ی معصومان (ع) است. چنانکه حضرت علی (علیه السلام) در نامه ۴۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «أَقْعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونُ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ: آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی روزگار، با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی، الگوی آنان نشوم؟!». چرا که مسئول و رئیسی در جامعه اسلامی می‌تواند، عدالت را در حوزه فرمان خویش برقرار کند که درد محرومان و تهی‌دستان را درک کرده و چشیده باشد، وگرنه آنان که حتی از دور، دستی بر آتش نگرفته‌اند، چگونه می‌توانند، بر مشکلات و نابسامانی‌ها چیره شوند.

۳) تهذیب نفس و اخلاق‌مداری در عرصه قدرت

قدرت، در ذات خود آزمونی برای انسان‌هاست. تاریخ پر است از افرادی که با دستیابی به قدرت، اخلاق را به کناری نهادند و به‌جای خدمت، در پی منفعت‌طلبی رفتند. اما آنچه شهید رئیسی را از بسیاری متمایز می‌کرد، التزام بی‌بدیل او به اخلاق و تهذیب نفس در همه موقعیت‌های قدرت بود.

در مسئولیت‌های خطیری چون تولیت آستان قدس رضوی، ریاست قوه قضائیه و ریاست جمهوری، بارها با موقعیت‌هایی مواجه شد که می‌توانست با مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی از اصول عدول کند؛ اما او همواره راه دشوار حق را برگزید. تقوا در تصمیم‌گیری‌های کلان، صداقت در بیان واقعیت‌ها، صراحت در مقابل فساد و انحراف، و پابندی به کرامت انسانی در برخورد با منتقدان، بخشی از ویژگی‌های بارز مدیریتی او بود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَحَبَّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»؛ محبوب‌ترین برادران من نزد من، کسی است که عیوبم را به من هدیه دهد. این نگاه نقدپذیر، در سلوک مدیریتی رئیسی نیز مشهود بود. همچنین، در کلام رسول خدا آمده است: «الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، و رئیسی این مسئولیت‌پذیری را در عمل نشان داد.

۴) ریشه‌های معنوی در تصمیمات کلان

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، آن است که رئیسی تصمیمات راهبردی خود را صرفاً بر پایه محاسبات سیاسی یا اقتصادی اتخاذ نمی‌کرد؛ بلکه همواره در پی شناخت «تکلیف» بود. نگاه او به مسئولیت، نگاهی توحیدی و اخروی بود. او بارها تصریح کرده بود که تنها به رضایت الهی می‌اندیشد و برای او، خدمت به مردم، عبادت است.

رئسی مصداق این آیه قرآن بود: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ»؛ آنان که اگر در زمین به آنها قدرت دهیم، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌دهند و به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند. او در دوران قدرت، نه تنها عبادت و تهذیب را ترک نکرد، بلکه آن را به عمق مدیریت خود پیوند زد.

از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان، مشورت و تبادل نظر با متخصصان حوزه‌های مختلف بود. همراهان این شهید بزرگوار بارها نقل کرده‌اند که ایشان پیش از جلسات مهم، زمانی را به مشورت با علماء و نخبگان اختصاص می‌داد. این رفتار، یادآور سیره امام علی (ع) است که در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «أَعْقَلَ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ»؛ عاقل‌ترین مردم کسی است که علم دیگران را نیز به کار گیرد.

۵) الگویی برای امروز و فردا

شهید سید ابراهیم رئیسی، تنها یک مدیر اجرایی یا سیاستمدار نبود؛ بلکه انسانی برخاسته از مکتب اهل‌بیت (ع) بود که در متن دین، تهذیب، خانواده و تربیت رشد یافته و بالیده بود. هر کجا که قرار گرفت، نفس مطمئنه‌اش، ضامن سلامت تصمیماتش بود. سلوک خانوادگی‌اش نشان داد که می‌توان هم سیاستمدار بود و هم پدر و همسر موفق. تهذیب نفسش گواه آن بود که قدرت می‌تواند در خدمت اخلاق قرار گیرد، نه برعکس.

او در دوران مسئولیت خود، نه تنها به عدالت، پیشرفت و عزت ملی اندیشید، بلکه همواره در پی آن بود که رضایت الهی را سرلوحه کار خود قرار دهد. این ویژگی‌ها، شهید رئیسی را به شخصیتی بدل کرد که فقدانش، تنها خلأ یک رئیس‌جمهور نیست، بلکه غیبت یک انسان الهی در متن سیاست است؛ الگویی زنده که در تربیت نسل آینده مدیران، باید همچون چراغی فروزان مورد توجه قرار گیرد.